

## کمیته صلح آمریکایی حاضر به دیدن آفریقایی ها نیست



«کمیته صلح» آمریکا میلیون‌ها دلار به آفریقا می‌فرستد اما اعضای این کمیته با تمام قوا می‌کوشند که از عضویت سفیر کبیرهای سیاهپوست در کلپ‌های سیاسی خود جلوگیری کنند و مانع آن شوند که سیاستمداران سیاهپوست در نزدیکی منزل آنها، مسکن گزینند!

#171&#171; کمیته صلح؛ آمریکا میلیون‌ها دلار به آفریقا می‌فرستد اما اعضای این کمیته با تمام قوا می‌کوشند که از عضویت سفیر کبیرهای سیاهپوست در کلپ‌های سیاسی خود جلوگیری کنند و مانع آن شوند که سیاستمداران سیاهپوست در نزدیکی منزل آنها، مسکن گزینند!

به گزارش خبرگزاری فارس، مارتین لوتر کینگ جونیور (15 ژانویه 1929 - 4 آوریل 1968) رهبر سیاهپوست &#171; جنبش حقوق مدنی؛ ایالات متحده آمریکا بوده است. در سال 1957 به همراه 60 رهبر سیاهپوست دیگر سازمانی را بنیان گذاشت که بعدها به &#171; کنفرانس رهبران مسیحی جنوب؛ شناخته شد. وی در مبارزه علیه نژادپرستی از تعالیم مسیح و مهاتما گاندی پیروی می‌کرد.

اوج فعالیت‌های مبارزاتی مارتین لوتر کینگ در دهه 1960 و برای تصویب قانون حقوق مدنی بود. وی در سال 1963 در گردهمایی بزرگ طرفداران تساوی حقوق سیاهان که در برابر بنای یادبود آبراهام لینکلن در واشنگتن دی‌سی برگزار شد، معروفترین سخنرانی خود را به نام &#171; رویایی دارم؛ انجام داد که از مهم‌ترین سخنرانی‌ها در تاریخ آمریکا به شمار می‌آید. مارتین لوتر کینگ در 4 آوریل 1968 در شهر ممفیس ایالت تنسی ترور شد.

در سال 1986 مقرر شد برای بزرگداشت یاد وی در ایالات متحده آمریکا سومین دوشنبه ماه ژانویه تعطیل رسمی اعلام شود. نوشته زیر از کتاب &#171; ندای سیاه؛ اثر مارتین لوتر کینگ است که در آن سیاه پوستان آمریکا را به مقابله با وضعیت حاکم بر محیط سیاسی و اجتماعیشان ترغیب می‌کند. قسمت ششم از متن کامل کتاب لوتر کینگ در پی می‌آید:

\* مردان پاک سرشت برای کمک به دیگران از غریزه خود کمک می‌گیرند

بشر دوستی مرد سامری به مرحله خطرناکی رسیده بود. او برای نجات دادن برادرش جان خود را به خطر انداخت ولی چرا مرد روحانی و مرد لای برای کمک کردن به مرد مجروح توقف نکردند؟ به احتمال قوی آنها ترسیده بودند. هنگامی که به اتفاق همسر از اسرائیل بازدید می‌کردیم اتومبیلی کرایه کردیم و مسافت بین بیت‌المقدس و &#171; جریکو؛ را پیمودیم. هنگامی که اتومبیل به آرامی در این جاده پریچ و خم پیش می‌رفت به همسرم گفتم: &#171; حال می‌فهمم چرا مسیح این جاده را برای تمثیلش انتخاب کرده است.؛ فی‌الواقع بیت‌المقدس در حدود 2 هزار پا بالای سطح دریا قرار دارد. در حالیکه &#171; جریکو؛ بیش از 35 کیلومتر طول ندارد و بدین دلیل شیب بی‌نهایت زیاد است، پیچ‌های تند این جاده کار راهزنان را آسان کرده و مسافری را هر آن در معرض خطر قرار می‌دهد. بدین ترتیب ممکن است مرد روحانی و مرد لای از اینکه بنوبه خود مورد حمله راهزنان قرار بگیرند، ترسیده باشند. شاید راهزنان هنوز از آن حوالی دور نشده بودند. شاید هم آن 2 نفر تصور کرده بودند که مرد مجروح خود را عمداً به این صورت در آورده تا عابری را به خود نزدیک کند و آنها را مورد حمله قرار دهد.

به نظر من، مردم روحانی و مرد لای ابتدا این سؤال را از خود کردند: اگر برای کمک به این مرد توقف کنم، چه بر سرم خواهد آمد؟ مرد سامری که طبیعتاً پاک سرشت و نیکوکار بود، غریزاً این سؤال را معکوس کرد: &#171; اگر برای کمک به این مرد توقف نکنم، چه به سرش خواهد آمد؟؛

اغلب اوقات از خود سؤال می‌کنیم: &#171; اگر در فلان جریان دخالت کنم، شغل و شهرت و مقام من چه خواهد شد؟ آیا خانه مرا با دینامیت منفجر خواهند کرد؟ آیا زندگی من مورد تهدید قرار خواهد گرفت؟ آیا به زندان خواهم رفت؟؛

\* ارزش يك مرد وابسته به فعاليتي است که در مبارزه و خصومت انجام مي‌دهد

انسان نیکوکار همیشه این سؤال را معکوس می‌کند. آلبرت &#171; شواينزر؛ از خود سؤال نکرد: اگر با ملت آفریقا همکاری کنم، شهرت و مقام استادی من چه خواهد شد؟ بلکه برعکس از خود پرسید: &#171; اگر با میلیون‌ها نفر مجروح بی‌عدالتی همکاری نکنم، بر سر آنها چه خواهد آمد؟؛

&#171; آبراهام لینکلن؛ ابتدا از خود سؤال کرد: &#171; اگر با اعلامیه الغای بردگی به بردگی پایان دهم، چه بر سرم خواهد آمد؟؛ بلکه از خود پرسید: &#171; اگر اینکار را نکنم، بسر میلیون‌ها نفر سیاهپوست چه خواهد آمد و اتحاد چه خواهد شد؟؛

سیاهپوستی که در نهضت آزادیبخش سیاهپوستان شرکت می‌کند از خود نمی‌پرسد: &#171; اگر در این نهضت که هدفش پایان دادن به تبعیضات نژادی است شرکت کنم، موقعیت تأمین شده و امنیت شخصی من چه خواهد شد؟؛ بلکه از خود سؤال

می‌کند: #171؛ اگر با شجاعت کار مثبتی را در این نهضت انجام ندهم، عدالت چه خواهد شد؟؛ بلکه از خود سؤال می‌کند: #171؛ اگر با شجاعت کار مثبتی را در این نهضت انجام ندهم، عدالت چه خواهد شد و چه بر سر توده‌های سیاهپوست که هیچگاه از حرارت امنیت اقتصادی بهره‌ای نبرده‌اند، خواهد آمد؟؛  
خلاصه، ارزش یک مرد به موقعیتی که در زمان رفاه و آرامش اشغال کرده، بستگی ندارد، بلکه وابسته به فعالیت است که در مبارزه و خصومت انجام می‌دهد.

برادر واقعی، موقعیت، شهرت و حتی زندگی خود را برای رفاه دیگران بخطر می‌اندازد و در دره‌های خطرناک و جاده‌های پرپیچ و خم، برادر مجروح و رنج‌دیده خود را به طرف یک زندگی عالی‌تر و شریف‌تر بالا می‌برد.

\* بشر دوستی واقعی ترحم نیست، بلکه محبت است

بالاخره مرد سامری در بشر دوستی افراط می‌کرد. او با دست‌های خود جراحات مرد مجروح را پانسمان کرد، او را بر مرکب خویش سوار کرد. برای او بسی آسانتر بود که لباس‌های با ارزش خود را خونی نکند و مرد مجروح را بوسیله آمبولانسی به بیمارستان برساند. ولی بشر دوستی واقعی ترحم نیست، بلکه محبت می‌باشد. حس ترحم را می‌توان با فرستادن چکی ارضاء کرد ولی محبت از خودگذشتگی شخصی طلب می‌کند. حس ترحم ممکن است برای یک وقت‌گذرانی که بشریت نام دارد، بیدار شود ولی حس محبت در مقابل یک موجود انسانی خاص که در کنار جاده زندگی احتیاج به کمک دارد بیدار گشته و بزرگ می‌شود. محبت واقعی حس برادریست برای شخصی که به کمک احتیاج دارد، در زحمت است، در تشویش و نگرانی بسر می‌برد و بار سنگینی بر شانه‌اش سنگینی می‌کند.

فعالیت مسیون‌های مذهبی ما به ثمر نمی‌رسد اگر آنها بروی ترحم پایه‌گذاری شده باشند، زیرا فقط با محبت واقعی است که می‌توان از هر فعالیتی بهره‌برداری کرد. مسیون‌های مذهبی ما بجای اینکه سعی کنند #171؛ همکاری ملت‌های آسیایی و آفریقایی کاری از پیش برند می‌کوشند که #171؛ برای؛ آنها کاری انجام دهند. حس ترحم، اگر فاقد محبت واقعی باشد، ما را به نوع جدیدی از #171؛ اربابیت؛ منتهی می‌کند و کسی که برای خود احترام قائل است نمی‌تواند آن را تحمل کند.

\* کمیته صلح آمریکایی به آفریقایی‌ها کمک مالی می‌کند اما حاضر به دیدن آنها نیست!

#171؛ دلار؛ می‌تواند به فرزندان خدا که در جاده‌های زندگی مجروح شده‌اند، کمک کند ولی اگر با دست‌های محبت‌آمیز داده نشود، نه گیرنده را غنی می‌کند و نه بخشنده را! مقامات کلیسای آمریکا، میلیون‌ها دلار برای میسیون‌های مذهبی به آفریقا می‌فرستند ولی آنها ترجیح می‌دهند که یک میلیون نفر به قتل برسند ولی یک نفر سیاهپوست در مراسم مذهبی آنها شرکت نکند! بنا بر تصمیم چند تن از اعضای #171؛ کمیته صلح؛ میلیون‌ها دلار به آفریقا فرستاده می‌شود. ولی همین اعضاء با تمام قوا می‌کوشند که از عضویت سفیر کبیرهای سیاهپوست در کلوپ‌های سیاسی خود جلوگیری کنند و مانع آن شوند که سیاستمداران سیاهپوست در نزدیکی منزل آنها، مسکن گزینند!

اگر #171؛ کمیته صلح؛ بخواهد برای ملت‌های رنج‌دیده کاری انجام دهد، توفیقی حاصل نخواهد کرد، ولی اگر بخواهد بطور آفریننده‌ای #171؛ آنها همکاری کند، موفقیت نصیبش خواهد شد. اگر #171؛ کمیته صلح؛ به عنوان یک نهضت منفی که هدفش شکست دادن #171؛ کمونیسم؛ است فعالیت کند، بطور قطع شکست خواهد خورد. ولی اگر هدفش این باشد که با فعالیتی مثبت، فقر، جهالت و بیماری را ریشه‌کن کند، پیروز خواهد شد. پول بدون محبت مانند نمک بدون طعم است! و مردم آن را لگدکوب می‌کنند.

\* قوانین انسانی عدالت را تأمین می‌کند

برای خوب بودن، از خودگذشتگی شخصی می‌خواهد. مرد سامری با دست‌های خودش جراحات مرد مجروح را پانسمان کرد و آنقدر محبت در وجودش بود که بر جراحات معنوی او نیز مرحم گذارد. جنبه دیگری از بشردوستی افراطی مرد سامری این بود که می‌خواست بیش از وظیفه‌اش عمل کند. در واقع، مرد سامری پس از مداوای مرد مجروح، او را بر مرکب خویش سوار کرد، به میهمانخانه برد، پول کافی در اختیارش گذاشت و اطمینان داد که خرج‌های اضافی را هم تقبل می‌کند: #171؛ هر خرج اضافی پیش بیاید، در موقع بازگشت آن را خواهم پرداخت؛ اگر اینکار را هم نمی‌کرد، وظیفه خود را نسبت به یکنفر بیگانه مجروح به نحو احسن انجام داده بود. ولی محبت مرد سامری کامل بود.

دکتر #171؛ هاری امرسون فاسد یک؛ وظایف اجباری را از وظایف غیر اجباری تمیز داده است. وظایف اجباری بوسیله رسوم اجتماع و قانون تنظیم می‌شود. تجاوز به این قبیل وظائف که هزاران صفحه کتاب‌های حقوقی را اشغال کرده‌اند، انسان را به زندان منتهی می‌کند.

ولی وظایف غیر اجباری تابع قوانین و رسوم اجتماع نمی‌باشد. این قبیل وظایف وابسته به وضع درونی انسان، روابط واقعی بین افراد و محبت است که در هیچیک از کتب حقوقی مطرح نشده و با زندان‌ها سروکاری ندارد. چنین وظایفی تابع یک قانون درونی است که در قلب انسان نگاشته شده است. قوانین انسانی عدالت را تأمین می‌کند، قانون عالی‌تری محبت را تأمین می‌کند. هیچ قانونی تا

بحال نتوانسته پدری را مجبور کند که فرزندان خود را دوست بدارد و شوهری را مجبور کند که به همسرش محبت کند. محاکم قضایی می‌توانند مردی را مجبور کنند که &#171; نان مادی &#171; خانواده خود را تأمین کند ولی نمی‌توانند او را مجبور کنند که &#171; نان محبت &#171; به خانواده خود عرضه کند!

\* امروز در آمریکا نبرد برای مبارزه با هیولایی &#171; تبعیض نژادی &#171; به راه افتاده است

یک پدر واقعی، از قانونی تابعیت می‌کند که عوامل خارجی نمی‌تواند آن را بر او تحمیل کند. مرد سامری نماینده وجدان بشریت است، زیرا از قانونی پیروی می‌کند که کسی قادر نبود آن را بر او تحمیل کند. هیچ قانونی در جهان نمی‌تواند یک چنین محبت واقعی و بشر دوستی کامل بوجود آورد.

امروز، در قلب کشور ما نبردی بزرگ جریان دارد. نبردی برای غلبه بر هیولایی که تبعیض نژادی نام دارد. هیولایی که نزدیک 100 سال در این کشور طی طریق کرده و شخصیت و حقوق طبیعی و آزادی میلیون‌ها سیاهپوست را به سرقت برده است. نباید دچار اشتباه شویم و تصور کنیم که قوانین قضایی در حل این مسئله تأثیر ناچیزی دارد.

انسان نمی‌تواند علم اخلاق را بصورت قانون در آورد. ولی انسان قادر است که اخلاق و اعمال مردم را بوسیله قانون تحت کنترل قرار دهد.

قوانین قضایی نمی‌توانند قلب مردم را تغییر دهند ولی قادرند که جلوی &#171; بی‌قلب‌ها &#171; را بگیرند! قانون نمی‌تواند یک نفر کارفرما را مجبور کند که کارگر خود را دوست داشته باشد ولی می‌تواند او را وادار کند که با استخدام کارگران سیاهپوست مخالفت نکند. عادات مردم هر روز بوسیله قوانین مدنی، تصمیمات قضایی و بخشنامه‌های اداری تغییر می‌کند.

\* عملی ساختن حقوق مدنی به تبعیضات نژادی در اماکن عمومی پایان می‌دهد

باید قبول کنیم که جواب نهایی مسئله نژادی در اراده مردم نهفته شده است. مردم باید با تمام قوا از چیزی که نمی‌توان بر آنها تحمیل کرد پیروی کنند. تصمیمات محاکم و سازمان‌های فدرال که قانون را عملی می‌سازند، برای برقراری برابری نژادی ارزش زیادی دارند. ولی برابری نژادی فقط گامی است لازم ولی ناکافی که در راه نیل به هدف نهایی ما برداشته می‌شود: زندگی واقعی بین گروه‌ها و افراد. برابری نژادی، سدهای قانونی تبعیضات نژادی را برطرف کرده و مردم را از لحاظ جسمانی متحد می‌کند. ولی چیزی باید بر قلب‌ها و روح‌ها اثر گذارد تا مردم از لحاظ معنوی نیز متحد شوند. زیرا این امریست طبیعی و صحیح.

عملی ساختن حقوق مدنی به تبعیضات نژادی در اماکن عمومی که سد اصلی برابری نژادها در اجتماع است، پایان می‌دهد. ولی نمی‌تواند به وحشت، خرافات و غرور که سدهای اساسی یک اجتماع واقعی است پایان دهد. این عادات تیره و جنون‌آمیز زمانی منهدم می‌شود که مردم از قانون نامرئی و درونی پیروی کرده و ایمان بیاورند که تمام افراد با یکدیگر برادرند و محبت مؤثرترین حربه‌ایست که انسان می‌تواند برای تحولات شخصی و اجتماعی از آن استفاده کند. برابری نژادی واقعی بوسیله برادران واقعی که از روی اراده وظائف غیر اجباری را می‌پذیرند، عملی خواهد شد. برای اینکه برادر خوبی باشیم زندگی مرد سامری را سرمشق خود قرار داده و از زندگی نمونه مسیح درس عبرتی بگیریم. بشردوستی &#171; مسیح &#171; تمام عیار بود زیرا تمام مردم، حتی کافران و گناهکاران را برادر خود محسوب می‌کرد. بشر دوستی او خطرناک بود. زیرا برای نیل به هدفی مقدس از خطرناکترین جاده‌ها عبور می‌کرد. بشردوستی او افراطی بود، زیرا مرگ بروی صلیب را انتخاب کرد. تاریخ نمی‌تواند نمونه بارزتری از اطاعت به وظائف غیر اجباری را به ما عرضه کند.